

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۰۸.۰۸.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۸۰)

باز هم از جمعه خونین و خیزش مردم:

امریکائی ها سنگباران شدند، این تجلی از یک انقلاب واقعی بود:

روز جمعه تاریخ سی جولای دو موتر امریکائی ها به سرعت به سوی میدان هوائی کابل در حرکت بود که در نقطه وصل جاده میان مکروریان سوم و سرک میدان حین دور زدن یک موتر کرولا درین جاده، موتر امریکائی بی کنترل شد و به این کرولا اصابت کرد و کرولا را چند متر در کنار جاده کش داد و یک طرف آن در داخل فرو رفت. پنج سرنشین موتر که فکر میشد همه جان باخته اند به وسیله مردم از موتر کشیده و به شفاخانه برده شدند که از جمله یکی جان باخت و چهار جوان دیگر به شدت زخمی شدند. موتر امریکائی ها که از ترس و همچنان شیوه رانندگی که دربیوران لومین امریکائی دارند و کوچکترین فکری به نام مصونیت ترافیکی مردم را نمی شناسند، باعث این برخورد خونین شد، قصد فرار داشت اما جوانان محل که ناظر این برخورد غیر انسانی امریکائی ها بودند به آنها اجازه فرار نداده و با سنگ آنها را سنگباران کرده و امریکائی ها درحالیکه موش شده بودند، فریاد می کشیدند و اما پولیس به سر حال شان رسیده، فقط با رنجر های خود قادر به کشیدن امریکائی ها از معرکه شدند. جوانان خشمگین به موتر ها حمله برده و هردو موتر امریکائی را آتش زدند. پولیس به حمایت از موتر ها با اسلحه و سپر بر آمده و تصمیم گرفتند تا جوانان خشمگین را متفرق سازند، اما جوانان با سنگ از چند طرف چنان بر پولیس حمله بردند که پولیس پا به گریز گذاشت و تا چهار راهی صحت عامه با تفنگ هایشان در حالیکه فیر هوائی می کردند، فرار کرده و درین جریان دو تن از هموطنان ما زخمی شدند.

این اولین باری بود که حدود صد جوان با سنگ و خشت بر امریکائی ها و پولیس در شهر کابل یورش بردند و تصاویری که تلویزیون ها ازین درگیری پخش میکردند، بی شباهت به درگیری انتفاضه در فلسطین نبود و هر آدمی را تهییج میکرد تا در برابر این متجاوزان که افغانها را چون مورچه میشمردند برخیزد و سنگباران شان کند. بعد از نیم ساعت فیر و درگیری و بعد از آنکه این جوانان خشمگین با شعار و سنگ دو موتر امریکائی ها را آتش زدند و پولیس از منطقه فرار کرد، تظاهرات خاتمه یافت. اما رئیس ترافیک کابل که از ترس بادران قادر به گفتن حقایق

نمود، بیشرمانه اظهار داشت که چون این کرولا به غلط دور زده و در ضمن موتر امریکائی ها سرعت داشته، پس گنجهکار اصلی کرولای افغان میباشد.

انفجار بر شاهراه زرنج- دلارام:

شاهراه زرنج - دلارام که حال با فعال شدن بندر چاه بهار و رد مرز نمودن هموطنان ما از ایران به یکی از جاده های پر رفت و آمد مبدل شده، توجه بیشتر فاشیست های طالب را به خود جلب نموده و در مناطق خاشرود و بکوا هر روزه بر موتر های که به دو سمت در حرکت اند، حمله میکنند و این راه یکی از تهدیدات مهم امنیتی به حساب می آید. دو هفته قبل طالبان در منطقه منار این راه که همیشه کمین میزنند، از یک موتر ۳۰۳ جوانی را پیاده کرده و به گمان اینکه سرباز اردو است دستانش را بسته و بعد گوسپند وار او را ذبح کردند. این جوان که تأکید میکرد در بازار غرغری شاگرد هوتلی است، اما این جانبیان به حرف او گوش نکرده و در برابر چشم تمام سواری ها او را سر بریدند. بعدمالک این هوتل طی صحبتی با رسانه ها اعلان کرد که این جوان شاگرد او بوده و سرباز نبوده است. به دنبال آن در روز ۲۴ جولای در حالیکه یک موتر سرویس ۳۰۳ پر از مسافر از زرنج به سوی قندهار در حرکت بود و اکثر این سواری ها را افراد رد مرز شده از ایران تشکیل می داد با مین کنار جاده طالبان اصابت کرد که در دم بیست و پنج تن از افراد این موتر توتۀ توتۀ شدند و دیگران هم زخمی گشتند. این حادثۀ به شدت غم بار زمانی به وقوع پیوست و طالبان جنایتکار و بی فرهنگ مین را انفجار دادند که هیچ اثری از موتر نظامی در آن ساحه دیده نمیشد و به این صورت بار دیگر این مزدوران جنایتکار خانواده های بسیاری از زحمتکشانشان ما را بر شال عزا نشانند و بعد بدون اینکه مسئولیت این انفجار را بگیرند، خود را به سکوت و موش مردگی زدند. چیزیکه تمام مردم محل آنها را دشنام داده و نفرین می کردند.

کرنیل امام دستگیر شد:

چهار ماه قبل سلطان امیر تارر مشهور به کرنیل امام با همکارش خواجه خالد از سوی لشکر بنیاد گرا و فاشیست جگنوی به رهبری ملا منصور در مناطق قبایلی پاکستان دستگیر شدند و دو ماه بعد خالد خواجه توسط این لشکر تیر باران شد. کرنیل امام یکی از مقامات ارشد آی اس آی بود که در زمان تجاوز شوروی به افغانستان نامی آشنا برای همه شد. او که رهبری جنگ جلال آباد را مستقیماً در دست داشت، از اکثر سیاست های پشت پرده آی اس آی با خبر بود. بعد از به قدرت رسیدن طالبان او کونسل سفارت پاکستان در کابل شد و بعد کونسل هرات گردید. کرنیل امام ریش انبوه و درازی دارد، همیشه واسکت مجاهدینی می پوشد و پکول بر سر می گذارد و تا حدی به زبان پشتو تکلم کرده می تواند و در افغانستان کاملاً بلد است و افغان های بسیاری را می شناسد. او در سرکوب قیام هزاره ها به ضد طالبان به وسیله کالبان نقش مهمی داشت و دولت طالبان را گردانندگی می کرد و با حزب اسلامی گلبیدن در پیوند بسیار نزدیک قرار داشت و زمانی می گفت که بدون این حزب کسی بر افغانستان حکومت کرده نمی تواند.

کرنیل به تاریخ ۲۶ جولای در یک تصویر ویدیویی نشان داده شد که دو فرد مسلح به دو طرفش ایستاده اند و او با زبان بسیار ملایم و توأم با زاری از مقامات پاکستانی می خواست تا او را نجات دهند و خواهشات این گروه را بر آورده سازند. او در ضمن اخطار داد که از تمام بازی های پشت پرده آی اس آی در مورد افغانستان، هند، روسیه و امریکا خبر دارد که اگر او را رها نسازند، همه این ها را افشاء خواهد کرد و به این صورت تهدید مهمی را متوجه

دولت پاکستان نمود. این کرنیل در سی سال گذشته از بخش اعظم سیاست گذاری های اردو و استخبارات پاکستان آگاه می باشد که اگر زبان بکشاید می تواند بیشتر از ۹۰ هزار سند افشاء شده اخیر سخن بگوید و راز های پشت پرده بسیاری را افشاء کند. اینکه دولت پاکستان این کرنیل مزدور و بنیاد گرا را رها خواهد کرد و یا گرفتاری او شگردی از سوی این لشکر می باشد، در آینده روشن خواهد شد، زیرا ای اس آی تا حدی بر این تشکل و شخص ملا منصور رهبر این گروه نیز اثر گذار است.

لست سیاه:

به دنبال آنکه نام ۵ تن از طالبان چندی قبل از لست سیاه شورای امنیت سازمان ملل حذف شد، اینک نام ده تن دیگر نیز حذف گردید. این اقدامات به دنبال اعلان صلح با گروه طالبان از سوی کرزی که غربی ها هم آنرا قبول دارند صورت می گیرد. در مجموع در لست سیاه شورای امنیت ۴۳۳ نفر شامل می باشند که از جمله ۱۳۲ تن آنان طالب و دیگران کسانی اند که در پیوند با القاعده قرار دارند و اتباع کشور های دیگر میباشند. اینکه این افراد تا چه زمانی درین لست شامل خواهد بود، کسی نمیداند. اما آنچه روشن است اینکه امریکائی ها آرام آرام گذار از جنگسالاران به طالبان را آغاز کرده اند و زمان آن رسیده است که ازین نیروی جاهل و مزدور در جهت اهداف خود آسانی خود استفاده کنند. قبلاً ملاراکتی، ملا رحمانی، ملا متوکل، ملا ضعیف، ملاحکیم مجاهد و ملا خاکسار از رهبران ارشد امارت طالبی به این پروسه پیوسته و غسل تقدیس کرده اند و حال میخواهند تا عده دیگری را وارد این بازار ساخته، آنان را نیز «مدنی» بسازند.

کسانیکه در لست سیاه قرار دارند، دارائی های شان منجمد و سفر های شان ممنوع میباشد و با این عفو باردیگر ازین دو امکان برخوردار می شوند. نماینده شورای امنیت می گوید که ۶۰ نفر دیگر هم زیر بحث و غور است تا نام های آنها نیز حذف گردد. عده ای از اینانی که نام شان تا هنوز در لیست سیاه باقی مانده، اکنون زنده نیستند، اینکه در این شصت نفر چه تعدادی زنده اند، روشن نشده است. شورای امنیت ده نفر اخیری را که ازین لست حذف کرده هم بناء به مسایل امنیتی افشاء نکرده و در مورد این شصت نفر هم تا حال چیزی نگفته اند. زیرا طالبان با افراد عفو شده برخورد جدی دارند و ملا خاکسار را به این خاطر که با خارجی ها همکاری میکند اعدام کردند. اینکه این حذف نام ها چقدر بر پروسه هرچه بیشتر کنترل بنیاد گرائی طالبی اثر گذار خواهد بود، در آینده دیده می شود، اما آنچه مسلم است اینکه برخی از طالبان همین اکنون در کنترل ای اس آی و سی آی ای قرار دارند.

عملیات غزنی:

از روز دوشنبه تاریخ دوم اگست عملیات گسترده ای زیر نام عملیات شمشیر در ولسوالی های اندر، مقر، قره باغ و مرکز غزنی با شرکت نیرو های اردو، پولیس، امنیت و نیرو های پولندی مستقر درین ولایت آغاز شده است و تا حال با کدام درگیری جدی رو به رو نشده اند. از چند ماه به این سو ولایت غزنی نسبت به اکثر ولایات افغانستان در نا امنی بیشتر فرو رفته و هر روز بر شهر غزنی راکت شلیک می شد و چند بار طالبان جنایات عجیبی که سر بریدن زنان و شاگردان مکتب بود را انجام دادند. صدای مردم غزنی ازین وضعیت در هر جایی بلند بود و زندگی درین شهر با فلج شدن رو به رو شده بود که اینک تصمیم گرفته شده است تا چنین عملیاتی را به را ببندازند. نیرو های پولندی که نزدیک به دو هزار نفر اند و در این ولایت مستقر میباشند، از نیرو های گوش به فرمان امریکاست و هرچه امریکائی ها از آن ها بخواهند آنرا انجام میدهند. چون بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و پیوستن این کشور

ها به پیمان ناتو حال برای ارضای بیشتر امریکا و قبول احسان اروپای غربی و امریکا، کشور های اروپای شرقی در مزدوری بی نظیر میباشند. حال معلوم شود که این نیرو ها چقدر قادر خواهند شد که بتوانند در برابر طالبان غزنی مقاومت کنند.

بدمعاشی ملا تره خیل:

ملا تره خیل که یکی از جنایتکاران جنگسالار و نماینده به اصطلاح کوچی ها در ولسی جرگه است، یکی از افراد زورگو و پستی است که همه مردم از زور گوئی ها و بد معاشی های او آگاه میباشد. این فرد کثیف که چند بار در ولسی جرگه با وطنفروشان دیگر این طویله اورژانس برخورد های جدی داشت، به تاریخ ۲۲ جولای حینیکه موترش با بادیگاردان جنایتکارش در نزدیک سینما پامیر پارک شده بود و مانع عبور مردم میشدند، ضمن گفتگو با یک شهروند کابلی و بعد حمایت مردم ازین فرد ، دو بادیگارد این ملای لومپن بر روی مردم در میان انبوه عابران دست به آتش زدند که در اولین شلیک ها دو نفر از هموطنان فقیر ما به شهادت رسیدند و هشت تن دیگر شدیداً زخمی شدند. بعد از آن جنایتکاران شرفباخته به شمول ملا تره خیل از منطقه فرار کرده و بعد توسط نیرو های امنیتی دستگیر شدند. حال که خارنوالی علیه این ملای جنایتکار اعلان جرم کرده او ظاهراً خود را پنهان نموده و خارنوالی و پولیس به دنبال او سرگردان میباشد. اما تجاربی که درین زمینه وجود دارد ، این ملا تا چند روز خود را آفتابی نکرده در خفا بازماندگان کشته شدگان و زخمی هارا تهدید کرده و آنها را وادار میسازد تا در محکمه رفته و از دعوای شان بگذرند و از سوی دیگر با کرزی و دیگر جنایتکاران بر قدرت تماس گرفته و زمینه حل و فصل قضیه را مساعد میسازد. چون در افغانستان کشتن افغانها جزئی از شوخی های روز گار میباشد، لذا کشتن این دو نفر بیکس و بی کوی بالاتر از ارزش مورچه هم نیست و آب از آب هم تکان نمی خورد و این هیاهوی به اصطلاح محاکمه ملا تره خیل و افراد او جز خاک زدن به چشم مردم چیز دیگری نیست. همه به این باورند که با وجود چنین دولت پوشالی در ین مورد هیچ کاری صورت نخواهد گرفت و این ملا که حال خود را بار دیگر کاندید ولسی جرگه کرده به آسانی کمپاین خود را به زودی آغاز خواهد کرد و امکان ورودش به پارلمان بعدی نیز وجود دارد.

شش محافظ امنیتی کابل بانک کشته شدند:

شام دوم اگست کابل بانک در مزار شریف از سوی افراد مسلح به یغما برده شد. این بانک که به وسیله ۶ نفر مسلح مربوط به یکی از کمپنی های امنیتی محافظت می شد و این افراد در آن شب مهمان داشتند، ابتداء مسموم شده و بعد سر های هر شش محافظ به وسیله چاقو بریده و ۲ صد هزار دالر و سه ملیون افغانی موجود درین بانک را باخود بردند. جالب است که این بانک از پوسته پولیس فقط ده متر فاصله دارد. اینکه چگونه این پوسته متوجه این دزدی که بعد از ده شب شده است، نشده برای همه قابل سؤال میباشد و بسیاری به این باور است که این کار به دستکاری پولیس صورت گرفته و بعد سر های این افراد به خاطری بریده شده که فکر شود این کار را طالبان انجام داده اند.

حمله بر میدان هوایی قندهار:

به تاریخ سوم اگست سه راکت پیاپی بر میدان هوایی قندهار از جای نامعلومی آتش شد که نه خرابی و نه تلفاتی در پی داشت. اما در حالیکه این راکت ها بر میدان فیر میشد، یک گروپ شش نفری طالبان که دوتن آنان با واسکت های انتحاری مسلح و دیگران کلاشینکوف داشتند، از دروازه شمالی میدان قصد دخول را داشتند که با آتش پولیس

میدان و نیرو های ایساف رو به رو شدند. این شش نفر که مجال حمله متقابل و یا انفجار واسکت های شان را نیافتند، هر شش تن کشته شدند و درین میان در میان آتش دو طرف دو غیر نظامی و یک سرباز ایساف نیز زخمی شدند و غایله ختم شد. بالینکه طالبان میدانند که در و دیوار میدان هوایی قندهار به وسیله نیرو های امریکائی شدیداً محافظت می شود و این راهم میدانستند که درین حمله کاری از آنها ساخته نیست، چه هدفی داشتند معلوم نیست. شاید هم فقط شهادت طلبی و رفتن فوری به جنت آنها را وادار به چنین تصمیمی کرده باشد!!